



عبدالاحمد فیض

اصل عدالت درگروزور!

دولت امریکا در یک اقدام بی سابقه دادگاه بین المللی جزائی را بدلیل اتخاذ اقدامات ضد امریکائی تحریم نمود، این تحریم که شامل تعزیرات مالی، عدم صدورویزه سفر به اعضای دیوان، بلاک منابع مالی، حسابات بانکی و ممنوعیت مسافرت مقام های قضائی این دیوان میگردد، پاسخی بوده است نسبت به اتخاذ اقدامات عدلی و تجویز آغاز روند مستند سازی، تعقیب و محاکمه نظامیان امریکائی که در ارتکاب جنایات جنگی و نقض حقوق بشری غیرنظامیان افغان دست داشته و بمثابه عاملان جنایت بین المللی در پرتومیناق دیوان مستلزم تعقیب پنداشته میشود.

دسترسی، تأمین و تحقق عدالت و هکذا پیگرد و مجازات جنایتکاران جنگی و ناقضان ارزشهای انسانی از اصول خدشه ناپذیر در نظام حقوقی بین المللی است که دادگاه جنائی جهانی به هدف دستیابی به مقاصد فوق بعد از سال ها تلاش بی وقفه دولتها علی الرغم مخالفت های برخی دولت ها که ایجاد چنین نهاد مستقل قضائی بین المللی را در تضاد با اصل حاکمیت ملی و مداخله در امور نظام عدلی داخلی عنوان مینمود، با امضای میثاق روم در سال (۱۹۹۸) ایجاد شد.

در روشنائی میثاق روم، دادگاه بین المللی جزائی لاهه بمثابه نهاد قضائی همکار با نظام قضائی دولت های عضو میثاق عمل نموده و عدم دخالت در امور قضائی دولتها را عضو در اساسنامه دیوان تضمین گردیده است، لذا دخالت دیوان و یا مسوولیت دیوان در تعقیب پرونده های جرایم سنگین ضد بشری زمانی و جاهت کسب مینماید که سیستم عدلی داخلی در کشور عضو قادر به تعقیب جنایت نبوده و بیم آن متصور باشد که محاکم داخلی کشور عضو، قادر نخواهد بود تا حکمی را صادر نماید که در نتیجه آن عدالت تحقق یابد.

ایالات متحده با توجه به حکم قانون اساسی خود که بر عدم تحویل دهی و مجازات اتباع ملکی و نظامی آن کشور در نهاد قضائی خارجی تأکید مینماید، نخستین کشوری بود که به ایجاد دادگاه بین المللی مخالفت ورزیده و در حین تسوید میثاق مصرانه تلاش نمود تا با گنجاندن یک پراگراف از عدم صلاحیت دیوان در تعقیب و محاکمه شهروندان ایالات متحده چون یک استثناء در اساسنامه دادگاه اطمینان کسب نماید، که با مخالفت شدید نمایندگان دول مواجهه و این امر باعث شد تا ایالات متحده صلاحیت حقوقی دادگاه را در خصوص شهروندان خود نه پذیرد.

دادگاه بین المللی جزائی بدلیل عدم پذیرش اساسنامه دیوان توسط ایالات متحده، صلاحیت ندارد تا شهروند امریکائی را مورد پیگرد قرار دهد، اما در صورتیکه تبعه امریکا اعم از ملکی و نظامی در کشور ثالث که منشور دیوان را پذیرفته است، مرتکب نقض حقوق بشری یا حقوق بین المللی بشردوستانه (جنگ جنگی) گردد، دادگاه صلاحیت دارد تا به هدف تأمین عدالت و اعاده حقوق متضررین به تعقیب و مجازات فاعلین مبادرت نماید.

بربنیاد یافته های مقدماتی انجام شده در دادگاه بین المللی جزائی، حد اقل (۶۱) زندانی در محابس تحت اداره نظامیان امریکائی و هکذا حین بازرسیها و عملیات جنگی شهروندان ملکی افغان توسط تفنگداران امریکا و منسوبین سازمان سیا مورد شکنجه و تعذیب گوناگون قرار گرفته و یا جان شانرا از دست داده اند، لذا افغانستان که میثاق دادگاه جهانی را پذیرفته و کشوری مبداء در وقوع جرایم بین المللی توسط نظامیان خارجی بوده و از ناتوانی ساختاری در نظام عدلی و عدم تمایل حکام به پیگیری عاملان نقض حقوق بشری شهروندان رنج میبرد، فلذا این امر باعث زایش وضعیت حقوقی معین گردیده است تا دخالت دیوان بین المللی در پرتو اصل عدالت در زمینه و جاهت یابد.

بر پایه اصول حقوق بین المللی در زمینه حقوق جنگ و پارادم های حاکم در حقوق بین المللی مدرن در صیانت از استناد اردهای حقوق بشری، قربانیان منازعات مسلحانه یا آسیب دیدگان در نتیجه جنایات بین المللی در هر فرصت ممکن به صورت قطع مستحق دسترسی به عدالت بوده و جنایتکاران زمان جنگ بایست بدون استثناء در دادگاه بین المللی مورد محاکمه قرار گیرد، فلذا اعمال تحریم مقامات قضائی دادگاه جزائی بین المللی توسط ایالات متحده همانگونه که آقای (بلکیس جراح) یکتن از حقوقدان ارشد سازمان غیر دولتی دیده بان حقوق بشر، این تحریم را یک سقوط شرمآورتازه برای تعهدات امریکا به عدالت برای قربانیان بدترین جرایم عنوان داشته است، سنگ اندازی و ایجاد ترس از اعمال تحریم بر کارمندان دادگاه جهانی توسط واشنگتن که این نهاد حمایت قاطع (۱۲۳) کشور جهان را به هدف تأمین عدالت در نظام حقوقی بین المللی با خود دارد، افول موقف سنتی ایالات متحده در زمینه پاسداری از اصل عدالت و حقوق بشری و گروگان گیری اصول و هنجارهای است که به تحقق عدالت در نظام حقوقی بین المللی میانجامد.